

جهت دریافت درسنامه، کاربرگ و فیلم آموزشی رایگان به کانال ما سر بزنید

 @arabi\_eyvazi

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

## عربی، زبان قرآن (۲)

رشته های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

تهیه کننده: عبدالمجید رستمی

دبیرستان: نمونه دولتی سعادت - تیزهوشان

استان فارس - شهر کازرون

سال تحصیلی: 99

# کرت عیب جوی بود در سرشت نبینی ز طاووس جزای زشت



الذُّرْسُ الْأَوَّلُ

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا

مِنَ الظَّنِّ ...﴾ الْحُجُرَاتُ: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها پرهیزید.

نکته 1: لانهی+ مضارع به دوشکل ترجمه می شود: الف) لا+ مضارع اول شخص و سوم شخص ، مضارع به صورت نیاید+ مضارع التزامی ترجمه می شود (ب): لا + مضارع دوم شخص مضارع به صورت امر منفي ترجمه می شود

نکته 2: حروف «حتی، آن، کی، ل، لکی+ مضارع: مضارع را به صورت التزامی ترجمه می کنیم  
مضارع التزامی در فارسی: ب+ بن مضارع + شناسه

درس اول  
الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ  
از آيات اخلاق

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

به نام خداوند بخشنده ی مهربان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِنْ

ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی را مسخره بنمایند شاید که از آنها بهتر باشند و نه زنانی

نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ

زنان دیگر را شاید که از آنها بهتر باشند و از خودتان عیب نگیرید و به یکدیگر لقب های زشت ندهید.

الِاسْمِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ \* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

آلوده شدن به گناه بعد از ایمان آوردن، بد نامی است (موجب بدنامی است) و هر کس توبه نکرد پس آنها قطعاً همان ستمکارانند

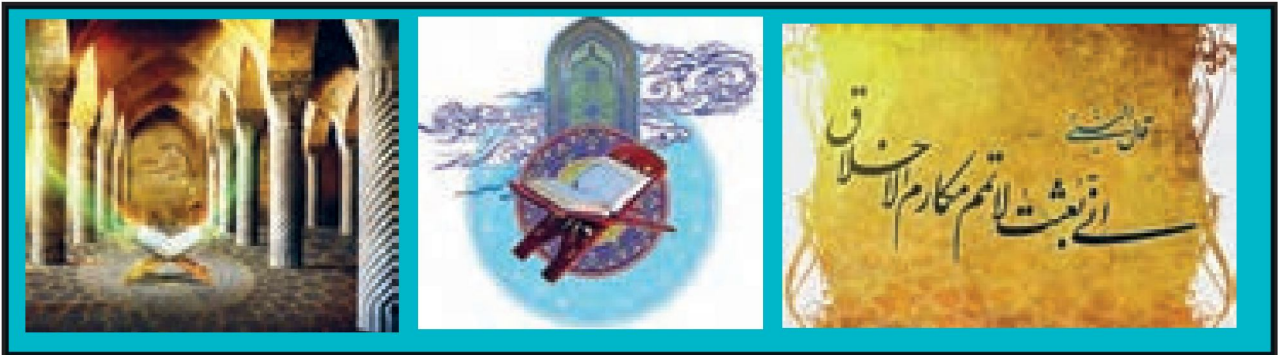
اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم

ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها دوری کنید قطعاً برخی از گمان ها گناه هستند و جاسوسی نکنید و برخی از شما نباید از یکدیگر

بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

غیبت کنند آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ پس آن را ناپسند می شمارید و از خدا بترسید قطعاً خدا بسیار توبه پذیر

تَوَابٌ رَحِيمٌ ﴿الحجرات: ۱۲ و ۱۱﴾  
مهربان است



قَدْ يَكُونُ<sup>3</sup> بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا<sup>4</sup> أَنْ نَبْتَعدَ عَنِ الْعُجْبِ<sup>5</sup> وَأَنْ لَا نَذْكَرَ عُيُوبَ

گاهی بین مردم کسی می باشد که از ما بهتر است، پس مایباید (بر ما است یا بر ما واجب است) که از خود پسندی دوری کنیم و اینکه عیب های دیگران را

الْآخِرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ<sup>6</sup> أَوْ بِإِشَارَةٍ. فَقَدْ قَالَ<sup>6</sup> أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعُيُوبِ أَنْ تَعِيبَ

با سخنی پنهانی یا با اشاره ذکر نکنیم امیر مؤمنان علی (ع) فرموده است: «بزرگترین عیب آن است که آنچه مثلش در خودت است را عیب به حساب آوری

نکته 5: أَنْ + لا + مضارع

مضارع به صورت التزامی منفي ترجمه می شود

نکته 6: قَدْ + فعل ماضي

فعل ماضي را به صورت نقلي و گاهی ساده ترجمه می شود



مَا فِيكَ مِثْلَهُ».

نکته 3: قَدْ + مضارع به شکل های زیر ترجمه می شود

الف) گاهی + مضارع اخباری

ب) شاید یا احتمال می رود یا ممکن است + مضارع التزامی

نکته 4: عَلَيَّ + اسم یا ضمیر به شکل های زیر ترجمه می شود

الف) بر ... است

ب) باید

ج) بر ... واجب است یا لازم است

تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَىٰ وَ تَقُولُ: لَا تَعِيبُوا الْآخِرِينَ. 7. وَلَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْأَقَابِ يَكْرَهُونَهَا.  
آیه ی اول ما را نصیحت می کند و می گوید: از دیگران عیب جویی نکنید. و به آنها لقب های زشتی که آنها را ناپسند می شمارند ندهید

بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.  
آلوده شدن به گناه بد کاری است و هرکس آن را انجام بدهد پس او قطعاً از ستمکاران است

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:  
پس خداوند متعال در این دو آیه تحریم کرده است

■ الْأَسْتِهْزَاءَ بِالْآخِرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُمْ  
مسخره کردن دیگران و نامیدن آنها به اسم های زشت

بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

■ سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ  
بدگمانی و آن تهمت زدن شخصی به شخص دیگر بدون دلیل منطقی

آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

■ التَّجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ  
جاسوسی کردن، و آن تلاشی زشت برای آشکار کردن رازهای مردم برای رسوا کردنشان

أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذَّنُوبِ  
و آن از گناهان بزرگ در مکتب ما و از اخلاق بد است

فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

■ وَ الْغَيْبَةَ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ  
و غیبت کردن و ان از مهمترین دلایل قطع ارتباط بین مردم است

التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

سَمَىٰ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ الَّتِي 9  
برخی از مفسران سوره ی حجرات را که در آن این دو آیه آمده است را سوره ی اخلاق نامیده اند

جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

نکته 8: شیوه ی ترجمه ی اسم اشاره در ترکیب ها

اسم اشاره + اسم ال: اسم اشاره به مفرد ترجمه می شود حتی اگر مثنی یا جمع هم باشد  
هؤلاء الناس يحترّم أولادهم: این مردم فرزندانشان را احترام می کنند

اسم اشاره + اسم بدون ال: اشاره طبق شخصش ترجمه می شود یعنی مفرد به مفرد و مثنی و جمع به صورت جمع ترجمه می شود  
هؤلاء طلاب: اینها دانش آموزند



اَتَّقَى : پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي)

اِتَّقُوا اللَّهَ : از خدا پروا کنید

إِثْمٌ : گناه = ذَنْبٌ

اسْتَهْزَأَ بِـ : ریشخند کردن

(اسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ)

إِغْتَابَ : غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ)

لا يَغْتَابُ : نباید غیبت کند

أَنْ يَكُنَّ : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

أَنْ يَكُونُوا : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

بَعْضٌ ... بَعْضٌ : یکدیگر

بِئْسَ : بد است

تَابَ : توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ)

لَمْ يَتُبْ : توبه نکرد

تَجَسَّسَ : جاسوسی کرد

(مضارع: يَتَجَسَّسُ)

تَسْمِيَةٌ : نام دادن، نامیدن

(سَمَى / يُسَمِّي)

تَنَابَزَ بِاللُّقَابِ : به یکدیگر لقب های

زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)

تَوَابٌ : بسیار توبه پذیر، بسیار

توبه کننده

تَوَاصَلَ : ارتباط (تَوَاصَلَ، يَتَوَاصَلُ)

حَرَمَ : حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ)

خَفِيَ : پنهان ≠ ظاهر

سَخَرَ مِنْ : مسخره کرد

(مضارع: يَسْخَرُ / مصدر: سُخْرِيَّة)

لا يَسْخَرُ : نباید مسخره کند

عَابَ : عیب جویی کرد، عیب دار کرد

(مضارع: يَعِيبُ)

عُجِبَ : خودپسندی

عَسَى : شاید = رُبَّمَا

فُسُوقٌ : آلوده شدن به گناه

فَضَحَ : رسوا کردن

قَدْ : گاهی، شاید (بر سر مضارع)

«قَدْ يَكُونُ: گاهی می باشد» / بر

سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن

زمان فعل به حال و معادل ماضی

نقلی است.

كَبَائِرٌ : گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»

كِرَاهَةٌ : ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)

لَحْمٌ : گوشت «جمع: لُحُومٌ»

لَقَّبَ : لقب داد (مضارع: يُلَقِّبُ)

لَمَزَ : عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)

مَيِّتٌ : مُرَدَةٌ

«جمع: أَمْوَاتٌ، مَوْتَى» ≠ حَيٌّ

x ✓

..... X

..... X

..... ✓

..... ✓

..... X

## عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

صحیح و خطا را بحسب متن درس معین کن

۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعَرُوسِ الْقُرْآنِ.

برخی از مفسرین سوره ی حجرات را عروس قرآن نامیده اند

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْاسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطَّ.

خداوند در این دو آیه فقط مسخره کردن و غیبت کردن را حرام کرده است

۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكَرَ أَخَاكَ وَ أُخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ.

غیبت آن است که از «درباره ی» برادر و خواهرت چیزی را ذکر کنی که بدشان بیاید

۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ.

قطعاً خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران باز می دارد

۵- أَلَسَّعِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

تلاش برای شناختن رازهای دیگران کار زیبایی است

## اعلموا

### اسم التفضیل و اسم المكان

اسم تفضیل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أفعل» است.

اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ مثال:

گیر: بزرگ أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین حَسَن: خوب أَحْسَن: خوب‌تر، خوب‌ترین

آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا. آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

آسیا أَكْبَرُ قَارَةٍ فِي الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

نکته: شیوه ی ترجمه ی اسم تفضیل: الف) اگر بعد از اسم تفضیل حرفِ جرِ «مِن» بیاید یا بعد از آن اسمی یا ضمیری نیاید اسم تفضیل معادلِ صفتِ تفضیلی در فارسی است که در ترجمه آن از «تر» استفاده می شود  
هو أَحْسَنُ: او بهتر است

ب) اگر بعد از اسم تفضیل ، مضاف الیه بیاید معادل صفت عالی در فارسی است؛ که در ترجمه ی آن از «ترین» استفاده می شود



مضاف الیه: اسمی که علامتِ انتهایش کسره- یا- یا یین یا یین است و قبل از آن یک اسم بدون ال و بدون تنوین می آید

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى فِي إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.



أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.

تذکر مهم: رنگ ها بر وزن «أفعل» ساخته می شوند بنابر این آنها را اسم تفضیل حساب نمی کنیم  
رنگ ها در زبان عربی: أَخْضَرُ (سبز)، أَحْمَرُ (قرمز)، أَيْبُضُ (سفید)، أَرْزَقُ (آبی)، أَسْوَدُ (سیاه)، أَصْفَرُ (زرد)

گاهی اسم تفضیل مذکر بر وزن «أَفْعَى» می آید

■ گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل‌ها می آید:

أَعْلَى: بلندتر، بلندترین

أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین

أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین

أَقَلُّ: کمتر، کمترین

گاهی اسم تفضیل مذکر بر وزن «أَقَلُّ» می آید

■ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می آید؛ مثال:

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى: فاطمه بزرگ‌تر، زَيْنَبُ الصُّغْرَى: زینب کوچک‌تر

«اسم تفضیل» در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می آید؛

مثال: فاطمة أكبر من زينب.

در این مثال بین فاطمه و زینب مقایسه صورت گرفته و با وجود اینکه هر دو مؤنث هستند ولی از اسم تفضیل مذکر استفاده شده است



■ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مثال:

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (أَرَادِلُ جَمْعُ أَرْدَلٍ وَ أَفَاضِلُ جَمْعُ أَفْضَلٍ اسْت).

■ هرگاه بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ ...)، معنای «برتر» دارد؛

مثال:

هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ. این از آن بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای «برترین» دارد؛ مثال:

سورة البقرة أكبر سورة في القرآن. سورة بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

الف) به عنوان اسم تفضیل: که در این حالت بعد از آن مضاف الیه یا حرف جر من می آید البته گاهی هم چیزی بعد از آن نمی آید  
أَحْسَنُ النَّاسِ الْمُجَاهِدُونَ  
ب) به عنوان مضارع اول شخص می آید که معمولاً بعد از آن مفعول می آید. أَنَا أَحْسَنُ النَّاسِ  
ج) به عنوان ماضی سوم شخص مفرد مذکر در باب افعال که در این حالت بعد از آن فاعل یا مفعول می آید هُوَ أَحْسَنُ النَّاسِ

## اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

خودت را آزمایش کن: حدیث های پیش رو را ترجمه کن، سپس زیر اسم تفضیل خطی قرار بده

۱ سئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

از پیامبر خدا (ص) سوال شد «محبوبترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: سودمندترین مردم برای مردم

۲ أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

داناترین مردم، کسی است که علم مردم را به علمش بیافزاید

۳ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

برترین کارها کسبِ روزی حلال است

خوبی و بدی یا خوب بودن و بد بودن معنای مصدری «خیر و شر» هستند. پس خیر و شر به این معانی، مصدر هستند

■ دو کلمه «خَيْر» و «شَر» علاوه بر اینکه به معنای «خوبی» و «بدی» هستند،

می توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند؛ در این صورت، معمولاً بعد از آن حرف جرّ

«مِنْ» است، یا به صورت «مضاف» می آید؛ مثال:

۱ تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

۲ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

۳ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

بهترین کارها میانه ترین آنهاست.

۴ حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

به سوی بهترین کار بشتاب.

۱- حَيٌّ: بشتاب



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. خودت را آزمایش کن: عبارات پیش رو را ترجمه کن

خیر اسم تفضیل است چون به معنای «بهترین» است

۱ ﴿... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹

پروردگار ما (پروردگارا) پس ما را ببامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم کنندگان هستی

خیر به معنای «بهترین» و اسم تفضیل است

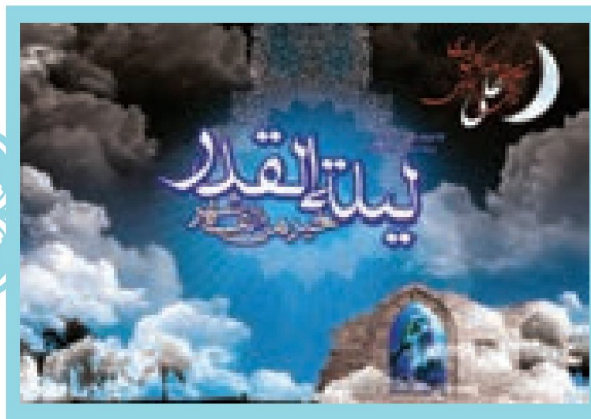
۲ خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

بهترین دوستان کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه کنند

خیر به معنای «بهتر» و اسم تفضیل است

۳ ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ الْقَدَر: ۳

شب قدر بهتر از هزار ماه است



شَرٌّ به معنای «بدترین» است پس اسم تفضیل است

مفردش «البهيمه» است

۴ مِنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرکس شهوتش بر عقلش چیره شود پس او بدتر از چار پایان است

شَرٌّ به معنای «بدترین» است پس اسم تفضیل است

۵ شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ.

بدترین مردم دو روها «منافقین» هستند

۲- غَلَبَتْ: چیره شد

۱- أَهْدَى: هدیه کرد

■ **اسم مکان** بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن **مَفْعَل** و گاهی بر وزن **مَفْعِل** و **مَفْعَلَة** است؛ مثال:

مَلْعَب: ورزشگاه      مَطْعَم: رستوران      مَصْنَع: کارخانه      مَطْبَخ: آشپزخانه  
مَوْقِف: ایستگاه      مَنْزِل: خانه      مَكْتَبَة: کتابخانه      مَطْبَعَة: چاپخانه

■ جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است؛ مانند: مَدَارِس، مَلَاعِب، مَطَاعِم و مَنَازِل.

## اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَيْتِينَ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

خودت را آزمایش کن: دو آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را معین کن

۱ ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾

النَّحْل: ۱۲۵

اسم تفضیل

اسم تفضیل

و با آنها به روشی (چیزی) که نیکوتر است بحث کن قطعاً پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد داناتر است

۲ ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ الأَعْلَى: ۱۷

اسم تفضیل

اسم تفضیل

و آخرت بهتر و جاودانتر است

۳ كَانَتْ مَكْتَبَتُهُ «جُنْدِي سَابُور» فِي خَوْزِسْتَانِ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

اسم تفضیل اسم مکان

اسم مکان

کتابخانه ی جندی شاپور در خوزستان بزرگترین کتابخانه در جهان قدیم است



۲- ضَلَّ: گمراه شد

۱- جَادِلْ: بحث کن

در گروه های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

## حوار گفتگو

(في سوق مشهد) در بازار مشهد

لباس فروش (فروشنده لباس ها)	بائع الملابس	الزائرة العربية زائر عرب
سلام بر شما درود بر شما (خوش آمدی)	عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرَحَبًا بِكَ.	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. سلام بر شما
شصت هزار تومان	سِتُونَ أَلْفَ تَومَان.	قیمت این پیراهن مردانه چند است؟ كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟
به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن	عِنْدَنَا بِسِعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تَومَان. تَفَضَّلِي أَنْظُرِي.	ارزان تر از این می خواهم. این قیمت ها گران است أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.
سفید و سیاه و آبی و قرمز و سفید و زرد و بنفش	أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَزْرَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بِنَفْسَجِي.	أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟
قیمت ها از هفتاد و پنج هزار تومان شروع می شود تا هشتاد و پنج هزار تومان	تَبْدَأُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تَومَان.	این پیراهن های زنانه چند تومان است؟ بِكَمْ تَومَان هَذِهِ الْفَسَاتِينُ؟
سرورم، قیمت ها بر حسب اجناس متفاوت است	سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ.	الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ! قیمت ها گران است
شلوار مردانه نود هزار تومان	السَّرْوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تَومَان، وَ السَّرْوَالُ النِّسَاءِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تَومَان.	این شلوارها چند تومان است؟ بِكَمْ تَومَان هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟
آن مغازه همکارم است، شلوار های بهتری دارد	ذَلِكَ مَتَجَرُّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ.	بهتر از این را می خواهم أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلٍ مِنْ هَذِهِ.
در مغازه ی همکارش	فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ ...	
مبلغ دو بیست و سه هزار تومان شد	صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تَومَان.	لطفًا، شلواری از این نوع به من بده رَجَاءً، أَعْطِنِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النُّوعِ وَ ...
بعد از تخفیف دو بیست هزار تومان به من بده	أَعْطِنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا.	کَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟ مبلغ چند شد؟





## الْتَمَرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

تمرین سوم: فعل ها و مصدرهای پیش رو را ترجمه کن

المصدر	الأمر و النهي	المضارع و المستقبل	الماضي
إحسان: نیکی کردن	أَحْسِنُ: نیکی کن	يُحْسِنُ: نیکی می کند	قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است نیکی کرد
إقترب: نزدیک شدن	لا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می شوند	إقترب: نزدیک شد
إنكسار: شکسته شدن	لا تَنكسِرْ: شکسته نشو	سَيَنكسِرُ: شکسته خواهد شد	إنكسَرَ: شکسته شد
استغفار: آمرزش خواستن	اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه	يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهد	اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست
مُسافرة: سفر کردن	لا تُسافرْ: مسافرت نکن	لا يُسافرُ: مسافرت نمی کند	ما سافرتْ: سفر نکردم
تَعَلَّمَ: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
تبادل: عوض کردن	لا تَبَادِلُوا: عوض نکنید	تَبَادِلُونَ: عوض می کنید	تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید
تَعْلِيم: آموزش دادن	عَلِّمْ: یاد بده	سَوْفَ يُعَلِّمُ: یاد خواهد داد	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است

تذکر مهم: به تفاوت معنایی «عَلَّمَ» و «تَعَلَّمَ» توجه داشته باشید

## التمرین الرابع: اکتب العمليات الحسابية التالية كأمثال:

تمرین چهارم: عملیات حسابی پیش رو را مانند مثال بنویس

۱- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.  $10 + 4 = 14$

ده باضافه ی چهار مساوی چهارده

۲- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.  $100 : 2 = 50$

صد تقسیم بر دو مساوی پنجاه

۳- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ.  $8 \times 3 = 24$

هشت ضربدر سه مساوی بیست و چهار

۴- سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ.  $76 - 11 = 65$

هفتاد و شش منهای یازده مساوی شصت و پنج

## التمرین الخامس: عيّن المحلّ الإعرابي للكلمات الملوّنة.

تمرین پنجم: محل اعرابی «نقش» کلمات رنگی را معین کن

۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْح: ۲۶

مفعول

مجرور به حرف جر

پس خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنین فرستاد

۲- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَة: ۲۸۶

مفعول

فاعل

خداوند کسی را جز به اندازه ی توانش تکلیف نمی دهد

۳- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خبر

مبتدا

سکوت طلا و سخن گفتن نقره است

۴- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خبر

مجرور به حرف جر

مضاف الیه

مبتدا

محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگانش است

۵- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

مجرور به حرف

خبر

مبتدا

دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است

مضاف الیه: اسمی که علامت انتهایش - یا - یا ین یا ین است و قبل از آن یک اسم بدون ال و بدون تنوین بیاید

مانند: العاقل و الجاهل در جمله شماره ۵



التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجَمِ التَّرَاكِبَ وَالْجُمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَاسْمَ الْمَفْعُولِ، وَاسْمَ الْمَبَالِغَةِ، وَاسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

تمرین ششم: ترکیب‌ها و جمله‌های پیش‌رو را ترجمه کن، سپس اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه، و اسم مکان، و اسم تفضیل را معین کن

۱- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: آیهٔ بقره: ۲۸  
 ← اسم مکان

پروودگار مشرق و مغرب

۲- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾: المائدة: ۱۰۹  
 ← اسم مبالغه

قطعاً تو بسیار دانای غیب‌ها هستی

۳- ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾: یس: ۵۲  
 ← اسم مفعول

چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت این وعده‌ی خدای بخشنده است و فرستاده شدگان راست گفتند

اسم مفعول یا بر وزن «مَفْعُول» می‌آید یا با «مُ» شروع می‌شود و حرف قبل از آخرش می‌گیرد. البته ال در اول کلمه و علامت‌های مثنی و جمع در انتهای کلمه را در نظر نمی‌گیریم. مانند: الْمُرْسَلُونَ

۴- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:  
 ← اسم فاعل

ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد

اسم فاعل یا بر وزن «فاعل» می‌آید یا با «مُ» شروع می‌شود و حرف قبل از آخرش می‌گیرد. البته ال در اول اسم و علائم مثنی و جمع در انتهای کلمه را در نظر نمی‌گیریم. مانند: الرَّاحِمِينَ در شماره ۵ و الْمُحْسِنِينَ در شماره ۴

۵- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:  
 ← اسم فاعل

ای مهربان‌ترین مهربانان

شیوه‌ی ترجمه کل:

الف) کل + اسم مفرد: کل به معنای هر. كُلُّ طَالِبٍ. هر دانش‌آموزی  
 ب) کل + اسم جمع: کل به معنای همه. كُلُّ طُلَّابٍ. همه‌ی دانش‌آموزان  
 ج) کل + مِن: كُلُّ به معنای هریک. كُلُّ مِنَ الطُّلَّابِ. هریک از دانش‌آموزان

۶- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ:  
 ← اسم فاعل

اسم مفعول

ای پوشاننده‌ی هر عیب‌داده شده‌ی

۷- يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ:  
 ← اسم مبالغه

ای بسیار آمرزنده‌ی گناهان

## الْتَمْرِينُ السَّابِعُ: عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

تمرین هفتم: کلمه ی غریب (ناهماهنگ) در هر مجموعه را مشخص کن

- |  |   |   |  |
|--|---|---|--|
| <input checked="" type="checkbox"/> مَيْتٌ<br>مرده             | <input type="checkbox"/> لَيْلٌ<br>شب                   | <input type="checkbox"/> مَسَاءٌ<br>عصر               | <input type="checkbox"/> صَبَاحٌ<br>صبح                      |
| <input type="checkbox"/> إِنْثِمٌ<br>گناه                      | <input type="checkbox"/> فُسُوقٌ<br>آلوده شدن به گناه   | <input checked="" type="checkbox"/> لَحْمٌ<br>گوشت    | <input type="checkbox"/> عُجْبٌ<br>غرور، تکبر                |
| <input type="checkbox"/> أَوْلَادٌ<br>پسران، فرزندان           | <input type="checkbox"/> رِجَالٌ<br>مردان               | <input type="checkbox"/> نِسَاءٌ<br>زنان              | <input checked="" type="checkbox"/> كِبَائِرٌ<br>گناهان بزرگ |
| <input type="checkbox"/> لَمَزَةٌ<br>عیب جویی کرد              | <input checked="" type="checkbox"/> سَاعَدٌ<br>یاری کرد | <input type="checkbox"/> عَابٌ<br>عیب دار کرد         | <input type="checkbox"/> سَخِرَ<br>مسخره کرد                 |
| <input type="checkbox"/> أَصْلَحٌ<br>بہتر، بهترین              | <input type="checkbox"/> أَجْمَلٌ<br>زیباتر، زیباترین   | <input type="checkbox"/> أَحْسَنٌ<br>نیکوتر، نیکوترین | <input checked="" type="checkbox"/> أَحْمَرٌ<br>قرمز         |
| <input checked="" type="checkbox"/> أَكْثَرٌ<br>بیشتر، بیشترین | <input type="checkbox"/> أَبْيَضٌ<br>سفید               | <input type="checkbox"/> أَزْرَقٌ<br>آبی              | <input type="checkbox"/> أَصْفَرٌ<br>زرد                     |

## الْتَمْرِينُ الثَّامِنُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

تمرین هشتم: در جای خالی کلمه مناسب قرار بده

۱- اِشْتَرَيْنَا ..... وَ فَسَاتَيْنَ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتْجَرِ.

شلوارها و پیراهن های زنانه ای با قیمت های ارزان در مغازه خریدیم

مَوَاقِفَ  أَشْهُرًا  سَرَاوِيلَ

ایستگاه ها، مفردش مَوْقِفٌ ماه ها، مفردش شَهْرٌ شلوار ها، مفردش، سَرَوَالٌ

۲- مَن ..... الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذَرَ إِلَيْهِمْ.

هرکس غیبت مومنین را بکند پس باید (بر او واجب است، براوست) که از آنها عذر خواهی کند

مَدَحَ  اِتَّقَى  اِغْتَابَ

ستود غیبت کرد تقواً پیشه کرد

۳- خَمْسَةٌ وَ سِتُّونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي .....

شصت و پنج منهای بیست و سه مساوی

اِثْنَيْنِ وَ اَرْبَعِينَ  اِثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ  اَرْبَعَةً وَ عِشْرِينَ

چهل و دو هفتاد و دو بیست و چهار

۴- اَرَادَ الْمُشْتَرِي ..... السُّعْرِ.

تَخْفِيفَ  مَتَجَرَ  نَوْعِيَّةَ

تخفیف مغازه جنس



اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

پژوهش علمی

■ اسْتَخْرَجَ خَمْسَةَ اَسْمَاءٍ تَفْضِيْلٍ مِنْ دُعَاءِ الْاِفْتِيْحِ.

پنج اسم تفضیل از دعای افتتاح بیور

